

نگاهی به الگوی مصرف از منظر امام رضا علیه السلام

علی سکندری

بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه مطالعات فرهنگی زائر

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۴

برای یافتن راه درست زندگی کردن و چگونه هزینه نمودن طبق تعلیمات پیشوایان سعی می‌کنیم تا الگوی مصرف از منظر امام رضا علیه السلام را در محورهای زیر با تطبیق برخی آیات مورد بررسی قرار دهیم: شناخت‌شناسی الگوی مصرف؛ بهره بردن از نعمت‌ها؛ رعایت میانه‌روی و اعتدال در زندگی؛ نشانه‌های انسان پرهیزگار؛ حرمت اسراف و تبذیر و مسئله مالکیت.

کلید واژه‌ها: سیره، امام رضا علیه السلام، مصرف، اعتدال.

معیار الگوی مصرف

انسان در اسلام، تنها موجودی مادی نیست که مصرف او به این نوع از نیازها محدود باشد، بلکه برخی از خواسته‌های معنوی نیز انگیزه مصرف اوست؛ مانند انجام برخی از واجبات همچون زکات و انفاق. انفاق یعنی خرج کردن در راه خدا اعم از واجب و مستحب، از کارهایی است

مصرف، یعنی بهره‌گیری از چیزی برای برآوردن یک یا چند نیاز ذاتی. بنابراین، شناخت شیوه‌های درست مصرف و رعایت آن و آشنایی با راه‌های درست استفاده از سرمایه و ابزار کار و لوازم زندگی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

که قرآن و روایات درباره آن بسیار تشویق کرده‌اند؛ چرا که انفاق از اسباب تعدیل ثروت و پرکردن شکاف اقتصادی در جامعه است؛ خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (بقره/۲۶۲). نیز انفاق‌کنندگان را به کشاورزی تشبیه کرده که با کاشتن یک دانه، هفتصد دانه بلکه بیشتر به دست می‌آورد: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْتَبَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (بقره/۲۶۱).

در هر حال انفاق را از آن جهت انفاق گویند که شخص مال را به این وسیله از دستش خارج کرده یا فانی می‌نماید. زکات نیز به معنی نمو و زیادت است و در قرآن مطلق انفاق در راه خدا، چه واجب و چه مستحب را دربر می‌گیرد.^۱

امام رضا علیه السلام یکی از علل پرداخت زکات را تأمین زندگی بینوایان دانسته می‌فرماید: «انَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قَوْتِ الْفُقَرَاءِ... كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «لِيَتَلَسُّونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (آل عمران/۱۸۶) فِی أَمْوَالِكُمْ أَخْرَاجَ الزَّكَاةِ قَانُونِ زَكَاتٍ بِرَأْيِ

۱. به عنوان نمونه بنگرید به: بقره/۴۳، ۸۳ و ۱۱۰؛ حج/۳۵ و مؤمنون/۴.

تأمین زندگی بینوایان وضع شده، چنان‌که خدای بزرگ فرموده است: شما را در اموال و جان‌هایتان امتحان می‌کنیم. (امتحان) در اموال، پرداخت زکات است...»^۲.

آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «... ذُو ثَرَوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ...»؛ اگر کسی ثروت انباشته‌ای داشته باشد و حق مال را ادا نکرده باشد از اولین کسانی خواهد بود که داخل دوزخ خواهد گردید.^۳

از مجموع آموزه‌های رضوی که بر مبنای دین اسلام و آیات قرآنی استوار است، می‌توان پایه‌های اصلی الگوی مصرف را در موارد ذیل خلاصه کرد: بهره بردن از نعمت‌های الهی؛ اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از اسراف و تبذیر و مسئله مالکیت.

بهره بردن از نعمت‌ها

در آموزه‌های پیام‌رسانان الهی،

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۸۹؛ محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴.

۳. عزیزالله عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۸۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸.

نعمت‌های فراوانی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، پاسخ‌گوی نیازهای بشر به عنوان اشرف مخلوقات^۱ است؛ از این‌رو خداوند از بندگان خود می‌خواهد از آن‌ها به درستی بهره‌برداری کنند. قرآن کریم در موارد متعددی از نعمت‌های الهی با عناوینی چون رزق الهی، طیبات و زینت یاد می‌کند.^۲

در دیدگاه امام رضا علیه السلام، استفاده از نعمت‌های الهی در حدی که انسان بتواند سلامت خود را حفظ کند و با نشاط کامل به ادای وظایف فردی و اجتماعی خود پردازد، امری مطلوب و بلکه واجب است.^۳ خداوند متعال در آیه ۱۱۴ سوره نحل می‌فرماید: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِياهُ تَعْبُدُونَ﴾؛ پس، از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خداوند روزی‌تان کرده است، بخورید و اگر فقط خدا را می‌پرستید، سپاسگزار نعمت‌های او باشید.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد:

زیبایی و آراستگی، محبوب فطری انسان‌هاست. از این‌رو، خداوند متعال نیز که انسان را موجودی اجتماعی آفریده، آموزه‌هایی را برای آراستن به او الهام کرده است تا از این راه، هم مورد پسند و رغبت دیگران باشد و هم با برقراری روابط اجتماعی، نیازهای روحی و مادی جامعه تأمین شود.^۴

مسائل فکری و عقیدتی نادرستی که زمینه درونی فقر و محرومیت را فراهم می‌سازد و رویارویی با آن را نادرست و ناممکن جلوه می‌دهد، فقر را به عوامل طبیعی و کمبود مواد در زمین و... نسبت می‌دهد، تا مسئولیت از انسان‌ها و نظام اجتماعی برداشته شود، در حالی که خداوند تمام امکانات را فراهم ساخته تا انسان از نعمت‌های الهی بهره‌مند گردد.^۵ البته باید مرزها را بشناسد و حلال را از حرام جدا سازد؛ چرا که در پرتو عمل به فرامین الهی سعادت و سلامتی انسان‌ها تضمین می‌گردد. امام رضا علیه السلام در این باره

۱. بنگرید به: مؤمنون/۱۴.

۲. بنگرید به: اعراف/۳۲؛ زخرف/۶۰؛ بقره/۸۱ و ۸۲ و ...

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴.

۴. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ق، ج ۸، ص ۷۹.
۵. بنگرید به: بقره/۶۰؛ ذاریات/۵۸؛ هود/۶؛ مائده/۱۱۴ و ...

است و روا نیست که گفته شود افراد با ایمان از نعمت‌های دنیایی بهره نبرند. آنچه از کلام امام رضا علیه السلام به دست می‌آید لزوم بهره‌گیری از نعمت‌های خدادادی با رعایت حدود و حقوق الهی و انسانی برای سعادت‌مندی همه انسان‌هاست.

رعایت میانه‌روی و اعتدال در زندگی

دین اسلام، دین اعتدال، میانه‌روی و دوری از «اسراف» است. اسراف از سرف به معنی تجاوز از حد است. در صحاح گوید: «السرف ضد القصد». راغب گوید: آن تجاوز از حد است در هر کار؛ هرچند در انفاق شهرت دارد. در *اقرب الموارد* گفته شده: آن ضد میانه‌روی و تجاوز از حد اعتدال است. باید دانست که اسراف و سرف هر دو به یک معنی است، ولی به عقیده مرحوم شیخ طبرسی اگر تجاوز در جانب افراط باشد اسرف گفته می‌شود و در جانب تقصیر باشد سرف.^۳

اسلام سعی می‌کند با برنامه‌های متعدد، پیروان خویش را در راه راست و خط

می‌فرماید: «... إنا وجدنا كَلِمًا أَحَلَّ اللهُ تبارک و تعالی ففیه صلاح العباد وبقائهم ولهم إليه الحاجة التي لا يستغنون عنها... ووجدنا المحرّم من الأشياء لا حاجة للعباد إليه ووجدناه مفسداً داعياً إلى الفناء والهلاك...»؛ ما با (بررسی احکام) می‌یابیم که هر چه را خداوند متعال حلال شمرده است مایه صلاح و بقای مردم است، و مورد نیاز آنان، به گونه‌ای که نمی‌توانند از آن دست بردارند... و چیزهایی را حرام و ممنوع یافتیم که مردمان را به آن‌ها نیازی نیست؛ بلکه آن چیزها فسادآور است و نابودکننده و هلاکت بار...

از دیدگاه اسلامی، هر چیزی که سبب عیب‌پوشی انسان و آراستگی او گردد، زینت است؛^۲ مانند کمالات اخلاقی یا لباس‌هایی که موجب آراستگی انسان می‌شود.

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که خداوند متعال نعمت‌های خود را برای همه بندگان، به ویژه بندگان نیکوکارش آفریده

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۹۳ و ۹۴؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۱۵۹؛ الحیاء، ج ۴، ص ۱۷۵.
۲. بنگرید به: بقره/۲۳۳؛ نساء/۵؛ نحل/۷۱؛ کهف/۴۶.

۳. محمدعلی قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۵۷ و ۲۵۸؛ طبرسی، فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۶ سوره نساء.

می فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء/۵).

در جای دیگری می فرماید: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (کهف/۴۶).

قرآن افراد متمکن را که از طریق مشروع اموالی به دست آورده‌اند، انسان‌های خوب معرفی می‌کند و داشتن مال و تمکن مادی را نوعی امداد الهی به شمار آورده، عنایت و تفضل معبود را در حق بندگان خدا بیان می‌کند.

می‌توان گفت، اعتدال و حد وسط، مفهومی نسبی است که با اختلاف انسان‌ها، زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، تفاوت پیدا می‌کند. از این رو، ممکن است رفتاری برای فردی اعتدال داشته باشد، ولی برای شخص دیگر رفتار معتدلی نباشد.^۱ امام صادق علیه السلام نیز درباره معیار اعتدال و اسراف می‌فرماید: میانه‌روی، کاری است که خداوند عزوجل آن را دوست دارد و اسراف، کاری مبعوض نزد خداوند است. حتی اسراف می‌کند که در حد دور انداختن هسته خرما باشد نیز چنین است؛ زیرا آن چیزی است که به کار

اعتدال نگه دارد و با افراط و تفریط اعم از مسائل اعتقادی، اجتماعی و عاطفی مخالف است و آن را برای زندگی دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی مسلمانان، بلکه برای همه بشریت مضر می‌داند. از این رو در موارد بسیاری به لزوم رعایت اعتدال و دوری از اسراف و تبذیر توجه و تأکید داشته است.^۱

امام رضا علیه السلام درباره اعتدال می‌فرماید: «استعمال العدل والاحسان موذن بدوام النعمة»؛^۲ به کار بستن دادگری و نیکوکاری، عامل پایداری نعمت‌هاست.

این سخن دقیقاً همان حکمت و علتی است که امام علی علیه السلام برای ضرورت اجرای عدالت در جهان و در جامعه انسانی بیان کرده است: دادگری عامل پایداری و استواری است.^۳

در آیین اسلام، درآمد‌های مشروع و کسب و کار و اموال حلال، جایگاه ویژه‌ای داشته قرآن مجید آن را مایه قوام و هستی شخص و جامعه و مایه زینت و آرامش در زندگی این دنیا می‌خواند؛ آن‌جا که

۱. بنگرید به: اعراف/۳۱؛ فرقان/۶۷ و ...

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.

۴. بنگرید به: محمد علی انصاری، الموسوعة الفقهية المیسره، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

دیگری می آید [مانند خوراک حیوان]، و نیز حتی اگر دور ریختنِ زیادی آب باشد.^۱

از آنجا که الگوی مصرف در سیره امام رضا(ع) علاوه بر مخالفت با «اسراف»، با پدیده ناشایست «تجمل گرایی» نیز به عنوان یک بیماری اقتصادی مقابله کرده است، آن حضرت در پاسخ به میانه روی در مخارج زندگی می فرماید: «استأذنت الرضا(ع) فی النفقة علی العیال؟ فقال: بین المکروهین. فقلت: جعلت فداک لا والله ما اعرف المکروهین. قال: فقال له: یرحمک الله اما تعرف أن الله عزّ وجلّ کره الإسراف وکره الإقتار؟ فقال: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان/۶۷)؛ از امام رضا(ع) درباره چگونگی تأمین مخارج زندگی و خانواده جويا شدم، فرمود: (هزینه زندگی) حدّ وسط است میان دو روش ناپسند. گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند نمی دانم این دو روش چیست؟ فرمود: رحمت الهی بر تو باد، آیا نمی دانی که

خداوند بزرگ اسراف و سختگیری را نمی پسندد و در قرآن فرموده است: آنان که هرگاه چیزی ببخشند نه زیاده روی کنند و نه خست و ورزند، و میانگین این دو را در حدّ قوامی ببخشند.

اسراف و اقتار دو حدّ نامتعادل و نامعقول و غیر مشروع در مصرف است. حدّ مشروع و معقول، اقتصاد و میانه روی است؛ چنان که در حدیث امام به آن اشاره گردید. امام در کلامشان فرمودند: پرداخت مخارج خانواده میان دو مرز قرار دارد: مرز اسراف و زیاده روی و مرز اقتار و تنگ نظری و خست و ایجاد کمبود. با بررسی احادیث دیگری که از امام رضا(ع) در این زمینه نقل شده است به مرزهای دقیق تری از مفهوم اسراف دست می یابیم. امام(ع) اسراف را در کوچک ترین چیزها، حتی آنچه در نظر مردم بی ارزش و دور ریختنی جلوه می کند، روانمی دارد و می فرماید: «من الفساد قطع الدرهم والدینار و طرح النوی»^۲؛ قطعه قطعه کردن درهم و دینار و دور افکندن هسته خرما از جمله کارهای فاسد و نادرست است. در

۳. مسند الامام الرضا(ع)، ج ۲، ص ۳۱۴؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۸۴.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البيت(ع)، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۵۱.

۲. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۸۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۱۵؛ الحیاة، ج ۴، ص ۲۰۵.

آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها نیز در نظر امام رضا علیه السلام رعایت حدّ میانه لازم است. حدّ میانه مایهٔ دوام و سلامت مزاج است، و زیاده‌روی و پرخوری بدن را می‌فرساید و عمر را کوتاه می‌کند، و موجب انواع بیماری‌ها می‌گردد. چنان‌که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لو ان الناس قصدوا فی المطعم لاستقامت ابدانهم»؛ اگر مردم حدّ میانه را در خوراک رعایت می‌کردند بدن‌هاشان پایدار و سالم می‌ماند. بنابراین حدّ میانه و اعتدال در همه امور زندگی از منظر امام مرز بین خست و اسراف است و تعادل در زندگی مورد پسند و قبول امام رضا علیه السلام می‌باشد.

برخی به غلط گمان کرده‌اند که حرام کردن زینت‌ها و پرهیز از غذاها در روزی‌های پاک و حلال نشانه زهد و پارسایی و قرب به خداوند است.

بنابراین یکی از مبانی بحث اصلاح الگوی مصرف توجه به این نکته است که دین اسلام با رفاه و زندگی خوب مخالفتی ندارد، بلکه از اهداف نظام اقتصادی اسلام، تحقق رفاه عمومی در جامعه است. سخنان

۱. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۸۴؛ الحیة، ج ۴، ص ۲۱۵.

امام رضا علیه السلام ناظر بر آیات الهی است، جایی که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف/۳۲)؛ ای پیامبر! بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز خاصّ آنان است. این‌گونه ما آیات را برای گروهی که می‌دانند، به روشنی بیان می‌کنیم.

بنابراین اسلام در عین حالی که روزی‌های حلال را برای بندگان خویش روا داشته است، بر این امر تأکید دارد که پیروان او باید از خوردن چیزهای حرام دوری جویند.

شریعت اسلام برای تحقق این هدف راهکارهای فردی و اجتماعی نیز در نظر گرفته است که در جای خود قابل طرح است. بنابراین، داشتن ثروت و سرمایه و به‌کارگیری آن هم‌سو با تعالی و رشد معنوی انسان‌ها، نه تنها مذموم نیست، بلکه مورد تشویق دین نیز هست. در اسلام همان‌طور که تجمل‌گرایی افراطی که از آن

به تجمل‌پرستی تعبیر شده، مردود است؛ محروم کردن خود از زیبایی‌های پاک و حلال، مانند لباس زیبا و مناسب و زیبایی‌های طبیعی پسندیده نیست؛ زیرا انسان زیبایی‌پسند است.

قرآن میانه‌روی را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان/۶۷). امام رضا علیه السلام ذیل این آیه فرموده‌اند که حدّ وسط اسراف و اقتار همانا قوام است: «قوام» به معنای حدّ وسط و اعتدال است. امام صادق علیه السلام ضد میانه‌روی را تجاوز تعریف می‌کند و می‌فرماید: «والقصد ضدّه العدوان» و ضد قوام را المكاثر تعبیر می‌نماید.^۱

اقتصاد اسلامی برای افراد و جوامع دو ارمان مهم دارد: بشر را از بزرگ‌ترین رنج تاریخی‌اش که مسئله معیشت و غصّه تأمین مایحتاج زندگی است، نجات می‌دهد. همچنین جامعه و فرد را از عوارض شوم فقر که سوء اخلاق و فساد و فحشا و حتی کفر و بی‌دینی به بار می‌آورد، محفوظ نگه می‌دارد. هرگونه

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۱، ص ۲۶.

فعالیت اقتصادی شامل تولید، توزیع و مصرف باید بر اساس اعتدال و میانه‌روی صورت گیرد. در قرآن کریم نیز به مسئله اعتدال توجه ویژه‌ای شده و به صراحت اعلام گردیده است که در هرگونه تصرف و استفاده از آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها باید از اسراف پرهیز شود.^۲

با توجه به آیات و روایاتی که در زمینه کسب درآمد حلال و مشروع آمده است، می‌توان چنین بیان نمود که مال و ثروت نه تنها خوب است، بلکه هر مسلمان آگاه وظیفه دارد برای تحصیل آن تلاش کند و خود و جامعه‌اش را در رشد اقتصادی یاری رساند. نظام اقتصادی اسلام هم که توجه به سعادت انسان را هدف اصلی خود می‌داند، استفاده عاقلانه از منابع طبیعی و امکانات خدادادی را در راه نیل به هدف مقدس خویش، مورد تأکید قرار داده و بر پیمودن راه اعتدال و میانه‌روی توصیه می‌کند و اسراف و خسّت را ناروا می‌شمارد.

نشانه‌های پرهیزکاران

در اسلام داشتن برنامه صحیح

۲. بنگرید به: انعام/۱۴۱؛ اعراف/۳۱.

اقتصادی در امور زندگی از نشانه‌های انسان پرهیزکار و با ایمان معرفی شده است، چنان‌که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لا يستكمل عبد حقيقة الايمان حتى تكون فيه خصال ثلاث: التفقه في الدين، وحسن التقدير في المعيشة والصبر على الرزاق»؛^۱ تا سه خصلت در آدمی نباشد، حقیقت ایمان او کمال نیابد: ژرف شناختن دین، و اندازه داشتن در زندگی و پایداری در مصیبت‌ها.

از دیدگاه امام یکی از پایه‌های زمینه‌ساز حرکت تکاملی برنامه‌ریزی اقتصادی اندازه‌گیری و تقدیر معیشت است.

همچنین امام باقر علیه السلام سخنی مشابه کلام امام رضا علیه السلام گفته‌اند: «الكمال كل الكمال، التفقه في الدين و الصبر على النأبة و تقدير المعيشة»؛^۲ رسیدن به درجات عالی کمال انسانی در سایه سه چیز امکان‌پذیر است: فهم و شناخت دین، شکیبایی در برابر مصائب و مشکلات و اندازه‌نگه داشتن در امور مربوط به معیشت و زندگی اقتصادی.

اقتصاد صحیح و پویا، امکانات وسیعی برای رشد سایر استعدادهای انسانی فراهم می‌سازد و نداشتن نظام اقتصادی درست و عدم کارآیی آن، باعث اختلال در امکانات رشد و شکوفایی دیگر بخش‌های زندگی انسان می‌شود و در نتیجه آن‌طور که شایسته و لازم است به آرزوها و آرمان‌های مطلوب نخواهد رسید.

از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی و از پایه‌های رشد و تعالی آن، چنان‌که در بیانات امام رضا علیه السلام به آن اشاره گردید، داشتن برنامه درست در امور معیشتی و اقتصادی است که بی‌گمان اجرا و تحقق آن نیازمند عزم ملی و برنامه‌ریزی مدوّن و همکاری مردم و مسئولان و استفاده از نیروهای خلاق و ژرف‌اندیش جامعه است.

حرمت اسراف و تبذیر

حدّ ممنوع مصرف در اسلام، اسراف و تبذیر است. اسراف غیر از تبذیر است. اسراف، یعنی مصرف بیش از شأن (مانند این‌که شخصی با درآمد کم که فقط نیازهای ضروری او را برطرف می‌سازد، کالاهای لوکس تهیه کند) و تبذیر یعنی مصرف

۱. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۹۷؛

تحف العقول، ص ۳۲۹.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۲.

بیهوده که با اتلاف مال همراه است.

اگر کسی در میزان یا شکل استفاده از نعمت‌های الهی زیاده‌روی کند و بیش از آنچه نیاز دارد، مصرف کند، اسراف‌کار شمرده می‌شود. قرآن کریم، اسراف را در معنای بسیار گسترده‌ای به کار برده و حتی از اسراف در اعمال و عقاید نیز سخن گفته است. برخی از موارد اسراف در آیات و روایات عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن بیش از حد: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف/۳۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: «لقمان به فرزندش گفت: ای پسر! هر چیزی نشانه‌ای دارد که با آن شناخته می‌شود و برای مصرف اسراف‌گرانه نیز سه نشانه است: چیزی که در شأن او نیست، می‌خرد؛ چیزی که در شأن او نیست، می‌پوشد و چیزی که در شأن او نیست، می‌خورد»^۱.

اسراف در مخارج کیفی. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که بیش از آنچه برای سکونت لازم دارد، مسکن بنا کند، باید در روز قیامت آن را بر دوش خود حمل نماید»^۲.

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۱۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۴.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل است که به یاران خود درباره اسراف فرمود: کم‌ترین حدّ اسراف این است که لباسی را که بیرون خانه برای حفظ آبرو می‌پوشی، در داخل خانه نیز بپوشی یا باقی‌مانده آب و غذا را که در ظرف می‌ماند، دور بریزی یا خرما را بخوری و هسته آن را دور اندازی^۳.

علاوه بر آنچه گفته شد، امام رضا علیه السلام موضوع حکم اسراف و تبذیر را به روشنی بیان می‌کند و آن را از گناهان کبیره برمی‌شمرد، چنان‌که در روایتی که فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند، حضرت در نامه‌ای به مأمون، به شمارش گناهان بزرگ می‌پردازد و اسراف و تبذیر را از جمله آن‌ها می‌شمارد^۴.

مسأله مالکیت

بحث پایانی را به مسئله مالکیت اختصاص می‌دهیم تا به این باور برسیم در عین حالی که همه نعمت‌های الهی در اختیار انسان قرار دارد، ولی او در

۳. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۴۸. توضیح این‌که

هسته خرما برای آنان قابل استفاده بود.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۶۰.

بهره‌برداری از آن‌ها در حدّ نیاز، نه بیش از آن مجاز است. علاوه بر این او مالک اصلی نیست و بر همین اساس حق ندارد در اموال عمومی حیف و میل کند. با این دید می‌توان گفت که یکی از مبانی الگوی مصرف از نگاه مکتب رضوی، توجه و نگرش به مسئله مالکیت است. در اقتصاد اسلامی، مالکیت منابع طبیعی برای دولت در نظر گرفته شده و هدف از این تشریح، بر اساس آنچه از آیات قرآن و روایات فهمیده می‌شود، این است که همگان از منافع آن‌ها بهره ببرند و این اموال در انحصار گروه خاصی در نیاید. از طرفی اگرچه در این نظام، مالکیت خصوصی امضا شده و بر اهمیت و احترام آن تأکید شده است، اما نوع نگاه به مالکیت در اسلام متفاوت از مکاتب سرمایه‌داری است. در دین اسلام، مالکیت همه اموال در اصل از آن خداوند است.^۱ این اموال از جانب خداوند متعال برای استفاده افراد بشر جهت دسترسی به سعادت و کمال در اختیار آنان قرار داده شده است.

۱. بنگرید به: آل عمران/۱۸۹.

از دیدگاه امام رضا علیه السلام مالک اصلی و حقیقی خداوند است، چنان که می‌فرماید: «إِذَا كَانَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَالِكَ لِلنَّفُوسِ وَالْأَمْوَالِ وَسَائِرِ الْأَشْيَاءِ، الْمَلِكُ الْحَقِيقِيُّ وَكَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِي...»^۲؛ خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال و دیگر چیزهاست، و آنچه در دست مردم است، عاریت است... به همین جهت، مالک اصلی، یعنی خداوند، تنها مصارفی را روا شمرده است که در راستای تحقق این هدف باشد.

خداوند، در سوره (عبس/۲۵-۳۳) کار و عمل خود را در مراحل مختلف پیدایش محصولی که انسان از آن استفاده می‌کند، بیان می‌دارد تا انسان اندازه و نقش ناچیز و قدرت عاریتی خویش را دریابد، و حقارت و فرعی بودن کار خود را - در برابر عظمت کار خدا و مأموران الهی و اصلی بودن آن کار - به خوبی بشناسد، و به ناچیز بودن فعالیت و تلاش خود اذعان کند.

مجموعه قوانین و سنت‌های حاکم بر جهان و نیروهای نهفته در طبیعت با اراده

۲. مستدرک الوسائل؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۲۶.

الهی پدیدار گشته است، تا در راه تأمین زندگی انسان به کار گرفته شود. از این رو طبیعت مسخر و رام انسان قرار داده شده است، تا او نیک دریابد آنچه را به دست می آورد و برای رفع نیازهای خود از آن‌ها بهره می‌گیرد، همه این توانایی‌ها زائیده آن قدرت لایزال الهی است.

در روایات، به سخنی از امام صادق علیه السلام برمی‌خوریم که آن را مرحوم علامه مجلسی از عنوان بصری نقل کرده است، وی می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حقیقت عبودیت چیست؟ فرمود: سه چیز: (یکی این‌که) بنده، در آنچه خدا به او عطا کرده است، مالکیتی برای خود نبیند؛ زیرا برای بندگان مالکیتی نیست، ایشان مال خود را مال خدا می‌دانند و آن را جایی قرار می‌دهند که خداوند بدان

فرمان داده است و عبد، برای خود، هیچ‌گونه تدبیری نمی‌کند و تمام اشتغال او در مسیری قرار دارد که خداوند وی را امر یا نهی کرده است. پس هرگاه بنده، در آنچه خداوند به او ارزانی داشته، مالکیتی برای خود نبیند، انفاق نمودن در موردی که خداوند دستور داده است، برایش آسان می‌شود و هرگاه او تدبیر خود را به خداوند واگذارد، سختی‌های دنیا بر او آسان می‌گردد»^۱.

با توجه به آنچه گفته شد مالک اصلی خداوند است و انسان‌ها امانتدار این اموال و اشیاء می‌باشند. بنابراین باید اولاً به اندازه مصرف کنند و ثانیاً در راهی مصرف کنند که مالک حقیقی فرمان داده و راضی است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۳۶.